

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نام خداوند رحمتگر مهربان

# پاورپوینت عربی نهم

## درس هشتم

### تهیه و تنظیم :

داور گیتی نوره

آذربایجان شرقی شهرستان سراب

دبیر قرآن و پیام و عربی



# الدَّرْسُ السَّادِسُ

## مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ



# فهرست

متن درس



المعجم



فعل النَّهَى (٢)



درست نادرست



تمارين



بدانيم



# إِسْتَلَمَ

دریافت کرد «مضارع: يَسْتَلِمُ»



# بَسْمَلَةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ 

## بِسْمَلَه

فرهنگ فارسی عمید

۱. بسم الله الرحمن الرحيم .۲.  
گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم».



# تَعَلَّمَ

يادگرفت «مضارع: يَتَعَلَّمُ» 



# حَفْلَةُ زَوَاجٍ

جشن عروسی «حَفْلَةُ مِيلَادٍ: جشن تولد»





# دَفَعَ

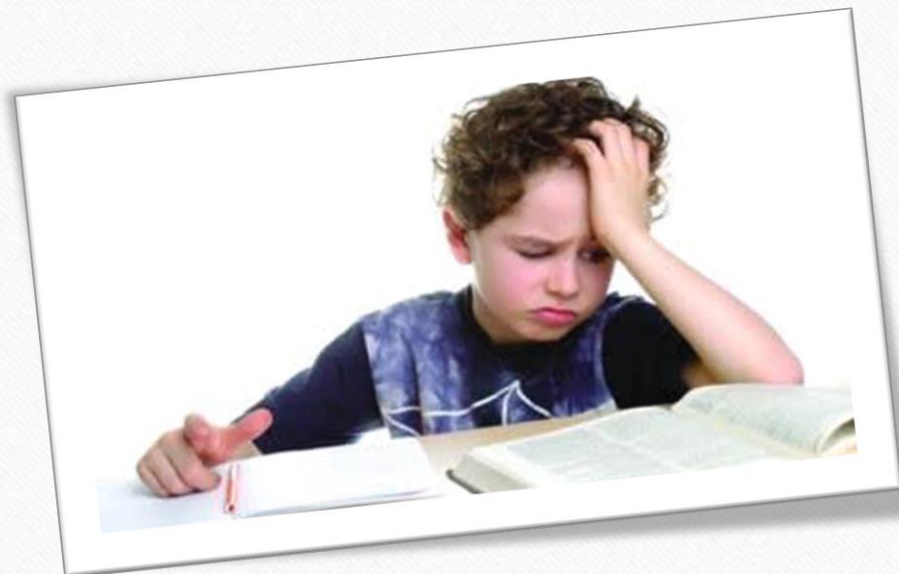
دور کرد، دفع کرد،

پرداخت «مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفَعَ»



# رأسب

مردود



راقِد

بستری



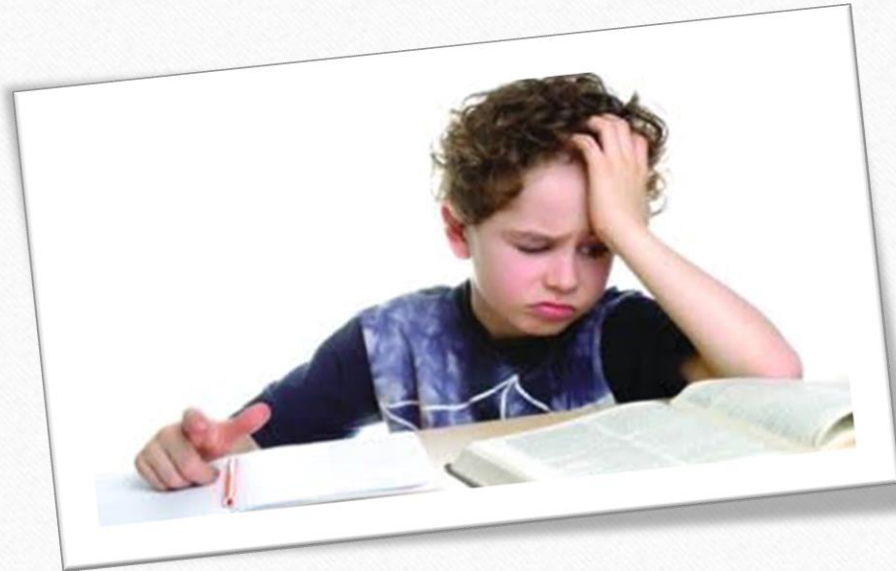
رَائِحَة

بو



# رَسَبَ

مردود شد «مضارع: يَرْسُبُ»



رَوْح

رحمت





# زُجَاجَةٌ عِطْر

شيشه عطر





صَوْم

روزه





عَطْرٌ

عطر زد «مضارع: يُعَطِّرُ» 



تَغْيِيرٌ

تغییر داد، «مضارع: يَتَغَيَّرُ»



لَامَ

ملامت كرد «مضارع: يَلومُ»



# مِثَالِي

نَمُونَه



انسان نمونه



مُزْدَحِم

شلوغ



مَلَفٌ

پرونده



نَام

خوابید «مضارع: يَنَامُ / مترادف: رَقَدَ»



# نَشِيط

فعال، بانشاط





وَ هِيَ

و عبارت است از



## تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

إِبْتَدَأَ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتِ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتِ الْمُدْرَسَةُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ : «إِجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ» وَ قَالَتِ لِلْبَنَاتِ : «إِجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ»



## تغییر زندگی

سال تحصیلی جدید آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. روستا کوچک و زیبا بود. خانم معلم وارد کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسران گفت: «سمت راست بنشینید.» و به دختران گفت: «سمت چپ بنشینید.»

هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ «سَارَةُ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ . فَحَزِنَتْ وَ  
ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مِلْفِهَا لِلإِطْلَاعِ عَلَى مَاضِيهَا.  
فِي مِلْفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.  
وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.



ترجمه

او یک دانش آموز مردودی بنام ساره دید . ساره در سال گذشته مردود شد . پس ناراحت شد و برای اطلاع یافتن از

گذشته ی او به سراغ پرونده اش رفت.

در پرونده ی سال اول: او واقعا دانش آموز بسیار خوبی است. تکالیفش را بسیار خوب می نویسد. او بانشاط و پاکیزه است.

در پرونده ی سال دوم: او واقعا دانش آموز بسیار خوبی است. اما او غمگین است. مادرش در بیمارستان بستری است.

وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.  
وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَنَامُ فِي الصَّفِّ.  
الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.



ترجمه

و در پرونده سال سوم: او مادرش را امسال از دست داده است. او واقعا ناراحت است.  
و در پرونده ی سال چهارم: او درس خواندن را رها کرده و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می خوابد.  
خانم معلم خودش را ملامت کرد و روش تدریسش را تغییر داد.

بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ

لِمُدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ.

كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً عِطْرِ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعِطْرِ



ترجمه

پس از مدتی در جشن تولد خانم معلم ، دانش آموزان هدیه هایی برایش آوردند .

ساره برای خانم معلمش یک هدیه در برگ روزنامه آورد.

هدیه شیشه عطر مادرش بود. در آن مقدار کمی عطر بود.

فَضِحِكَ التَّلَامِيذُ؛ فَقَالَتِ الْمُدْرِسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ:  
«لَا تَضْحَكُنَّ». الْمُدْرِسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعِطْرِ.  
جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرِسَتِهَا وَ قَالَتْ: «رَائِحَتُكَ مِثْلُ رَائِحَةِ أُمِّي.»



دانش آموزان خندیدند؛ خانم معلم به پسران گفت: «نخندید» و به دختران گفت: «نخندید»  
خانم معلم خودش را با آن عطر معطر کرد.

ساره کنار خانم معلمش آمد و گفت: «بوی شما مانند بوی مادرم است.»

شَجَّعَتِ الْمُدْرِسَةُ سَارَةَ؛ فَصَارَتْ تَلْمِيذَةً مِثَالِيَّةً. وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ ؛ اِسْتَلَمَتِ الْمُدْرِسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوبَةً فِيهَا «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ شَاهَدْتُهَا فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيَّرْتِ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ» وَ بَعْدَ مُدَّةٍ، اِسْتَلَمَتِ الْمُدْرِسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنْ الطَّبِيبَةِ سَارَةَ؛ طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعُرُوسِ



ترجمه

خانم معلم ساره را تشويق كرد. پس يك دانش آموز نمونه شد. و بعد از سالها ؛ خانم معلم يك نامه از ساره دريافت كرد كه در آن نوشته شده بود: «تو بهترين معلمی هستی كه من در زندگيم ديدم. تو سرنوشت مرا تغيير دادی. من الان يك پزشكم.»

و بعد از مدتی ، خانم معلم يك نامه ديگر از دكترساره دريافت كرد.

از او خواست تادر جشن ازدواجش حاضر شود و در جای مادر عروس بنشیند.

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ: شُكْرًا جَزِيلًا يَا سَيِّدَتِي؛  
أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي.  
فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ: «لَا يَا بِنْتِي؛ أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أُدْرَسُ».»



هنگامی که معلمش در جشن عروسیش حاضر شد؛ ساره به او گفت: بسیار متشکرم  
خانم؛ تو زندگی را تغییر دادی. پس معلم به او گفت:  
نه دخترم؛ تو زندگی را تغییر دادی؛ پس دانستم چگونه تدریس کنم.



با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱. أين جَلَسَتِ البَنَاتُ؟

عَلَى الْيَسَارِ

عَلَى الْيَمِينِ

۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟

لَوَالِدَةِ سَارَةَ

لَوَالِدِ سَارَةَ

۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟

فِي السَّادِسِ

فِي الرَّابِعِ

۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟

زُجَاجَةُ عِطْرِ

صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ

۵. أ كَانَتْ الْهَدَايَا مُنَاسِبَةً حَفْلَةِ الْمِيلَادِ؟

لَا

نَعَمْ



فِعْلُ النَّهْيِ (۲) : ( يَا أَوْلَادُ، لَا تَفْعَلُوا ) ( يَا بَنَاتُ، لَا تَفْعَلْنَ )  
( يَا وَكْدَانِ، لَا تَفْعَلَا )، ( يَا بِنْتَانِ، لَا تَفْعَلَا )



يا زَمِيلَاتِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْنَ، إِصْعَدْنَ

ای همکلاسی های من، لطفا،  
پایین نیایید، بالا بروید

يا زُمَلَائِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلُوا، إِصْعَدُوا

ای همکلاسی های من، لطفا،  
پایین نیایید، بالا بروید



فِعْلُ النَّهْيِ (۲) : (يا أولادُ، لا تَفْعَلُوا) (يا بناتُ، لا تَفْعَلْنَ)  
(يا وُلدانِ، لا تَفْعَلَا)، (يا بنتانِ، لا تَفْعَلَا)



يا زَمِيلَتانِ، رَجاءً، لا تَنْزِلا ؛ اِصْعَدَا.

ای همکلاسی های من، لطفا،  
پایین نیایید، بالا بروید

يا زَمِيلانِ، رَجاءً، لا تَنْزِلا ؛ اِصْعَدَا

ای همکلاسی های من، لطفا،  
پایین نیایید، بالا بروید

## بدانیم

در این درس نیز با فعل نهی آشنا می شوید.  
به فرق میان فعل های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
انجام ندهید	لا تَفْعَلُوا	انجام می دهید.	تَفْعَلُونَ	( جمع مذکر مخاطب ) 
	لا تَفْعَلْنَ		تَفْعَلْنَ	( جمع مؤنث مخاطب ) 
	لا تَفْعَلَا		تَفْعَلَانِ	( مثنی مذکر و مؤنث مخاطب ) 



ادامه

## بدانیم

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

←	لا تَجْلِسُ: نمی نشینی	←	لا تَجْلِسُ: ننشین
←	لا تَذْهَبُونَ: نمی روید	←	لا تَذْهَبُوا: نروید
←	لا تَرْجِعِينَ: بر نمی گردی	←	لا تَرْجِعِي: بر نگرد
←	لا تَتْرُكْنَ: رها نمی کنید	←	لا تَتْرُكْنَ: رها نکنید
←	لا تَنْزِلِينَ: پایین نمی آید	←	لا تَنْزِلِي: پایین نیابید

ترجمه کنید

تشخیص معنای فعل هایی مانند لا تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:  
(رَجَاءٌ؛ لا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید.) / (لماذا لا تَفْعَلْنَ شَيْئاً: چرا کاری انجام نمی دهید؟)

<p><b>خواهرانم، بر کسی خشمگین نشوید.</b></p>	<p>یا أَخَوَاتِي، لا تَغْضَبْنَ عَلَيَّ أَحَدٍ.</p>	<p><b>شب زیر درخت نخوایید</b></p>	<p>لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ</p>
<p style="background-color: black; color: black;">[Blank]</p>	<p><b>ای پسران، با صدای بلند نخند.</b></p>	<p>يا وَلَدَانِ، لا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ</p>	

# التَّمارين

التَّمرين الثالث



كَنْزَ الحِكْمَةِ



التَّمرين الأوَّل



التَّمرين الثَّاني



القُرَّانيَّات



## التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

توضيحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. الإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةِ دِينِيَّةٍ. .... **صَوْم**
٢. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ العَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا. .... **نَشِيط**
٣. صِفَةٌ لِلْمَكَانِ المَمْلُوءِ بِالأَشْخَاصِ وَ الأَشْيَاءِ. .... **مُزْدَحِم**
٤. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الإِمْتِحَانَاتِ. .... **رَاسِب**
٥. إِجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرَحٍ عَظِيمٍ . .... **حَفْلَةٌ**



## التَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ

از این آب ننوش



لا تَذْهَبِي مِنْ هُنَا

از اینجا نرو





## التَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَا؛ اجْلِسْنَ هُنَا

آنجا ننشینید؛ اینجا بنشینید



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَوْلِيَاءِكُمْ

عیبهای دوستانتان را آشکار  
نکنید

## التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (الإمام علیُّ ع)

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید. بدورستی که محبوبترین اعمال نزد خدا انتظار فرج است.

۲. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ . (الأعراف ۴۷)

پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار مده.

۳. قَالَ اللَّهُ لِآدَمَ وَ حَوَّاءَ «لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» . (الأعراف ۱۹)

خداوند به آدم و حوا فرمود: «به این درخت نزدیک نشوید.»

۴. لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ . (یس: ۶۰)

شیطان را عبادت نکنید که همانا او برایتان دشمنی آشکار است.

۵. وَاصِرٌ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ . (المزمل ۱۰)

برآنچه می گویند صبر کن.

۶. وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ... (النحل ۱۱۴)

نعمت خدا را شکر کنید ...

امر ← اِنْتَظِرُوا ... اِصِرْ ... اَشْكُرُوا نهی ← لَا تَجْعَلْ لَا تَقْرَبَا لَا تَعْبُدُوا لَا تَيَاسُوا ماضی ← قَالَ مضارع ← يَقُولُونَ

## كَتَبُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. «لَاتَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به زیادی نمازشان و روزه ی شان و فراوانی حج نگاه نکنید . ولی به راستگویی در سخن و امانت داری نگاه کنید

۲. «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.»

شما باید صبور باشید ، پس بدرستی که صبر نشانه ی ایمان است و مانند سر نسبت به بدن است

۳. «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»

به آنچه گفت نگاه کن و نگاه نکن که چه کسی گفت .

۴. «لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.»

هیچ فقری مثل نادانی نیست، و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

۵. «مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.»

کسی که خشمش را دفع کند خداوند از او عذابش را دفع می کند .

## الْقُرْآنِيَّات



١. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ السُّورَةَ بِمَعْنَى الْجِدَارِ الَّذِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ؟

١. آیا میدانی سوره ای به معنی دیواری اطراف شهر است؟

٢. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ السُّورِ تَبْدَأُ بِالْبَسْمَلَةِ إِلَّا سُورَةَ التَّوْبَةِ؛  
وَ سُورَةَ النَّمْلِ فِيهَا بَسْمَلَتَانِ؟

٢. آیا میدانی همه سوره ها با بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
شروع میشود جزء سوره ی توبه؛ و سوره نمل که در آن،  
دو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ است ؟



۲. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ تَبْدَأُ بِفِعْلِ «قُلْ»؟ وَ هِيَ الْجِنُّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْفَلَقُ وَ النَّاسُ.

**۲. آیا میدانی پنج سوره با فعل «قل» شروع می شود؟ و آن عبارتند از جن، کافرون، توحید، فلق و ناس.**

۳. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّ سُورٍ بِاسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءٍ؟ وَ هِيَ سُورُ يُونُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدَ وَ نُوْحَ.

**۳. آیا میدانی که شش سوره به اسم شش پیامبر است؟ و آن عبارتند از سوره یونس، هود، یوسف، ابراهیم، محمد و نوح.**

می خواهید از پاورپوینت خارج شوید؟

خیر

بلی

